



|| شماره ۳ || سال دوم || بهار ۱۳۹۷ ||

سفال منقوش نامرد: سفال مربوط به اواخر دوره پارت و دوره ساسانی جنوب شرق ایران و سواحل خلیج فارس

علیرضا خسروزاده*

سیامک سرلک**

(صص: ۸۲-۶۷)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۸

چکیده

محوطه‌های باستان‌شناختی بسیار اندکی مربوط به دوره ساسانی در جنوب شرق و سواحل خلیج فارس کاوش شده، بنابراین مجموعه سفالی با تاریخ‌گذاری مطمئن ساسانی در این ناحیه معرفی نشده است. به همین دلیل شناسایی محوطه‌های ساسانی جنوب شرق و سواحل خلیج فارس بسیار مشکل و مجموعه سفال تاریخ‌گذاری شده دقیق مربوط به دوره ساسانی برای درک دوره ساسانی این منطقه لازم است. سفال در دوره ساسانی همچون دوره اشکانی محلی بوده و هر منطقه از ایران سبک و ویژگی‌های سفالی خاصی دارد. هدف این مقاله پرداختن به این مسأله و معرفی یکی از گونه‌های شاخص سفال ساسانی جنوب شرق ایران براساس سفال‌های به دست آمده از بررسی‌ها و کاوش‌های انجام شده جنوب شرق ایران و سواحل جنوبی و شمالی خلیج فارس است. این گونه که به نام سفال نارنجی ظریف منقوش یا «نامرد» مشهور است، پراکندگی گسترده‌ای در سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس و جنوب شرق ایران دارد. این گونه تنها از کاوش‌های انجام شده در محوطه‌های کوش، ملیحا و اددور در امارات متحده، تپه یحیی در بافت کرمان و تم مارون در میناب به دست آمده است، ولی شمار زیادی از این گونه در بررسی‌های انجام شده در این مناطق نیز یافت شده است. سفال گونه نامرد دو گونه است؛ یک گونه آن مربوط به اواخر دوره اشکانی و گونه دیگر مربوط به اوایل و اواسط دوره ساسانی است. روش یافته‌اندوزی این پژوهش میدانی و کتابخانه‌ای، ولی اساس یافته‌اندوزی در این پژوهش میدانی است.

کلیدواژگان: خلیج فارس، جنوب شرق، ساسانی، سفال نامرد.

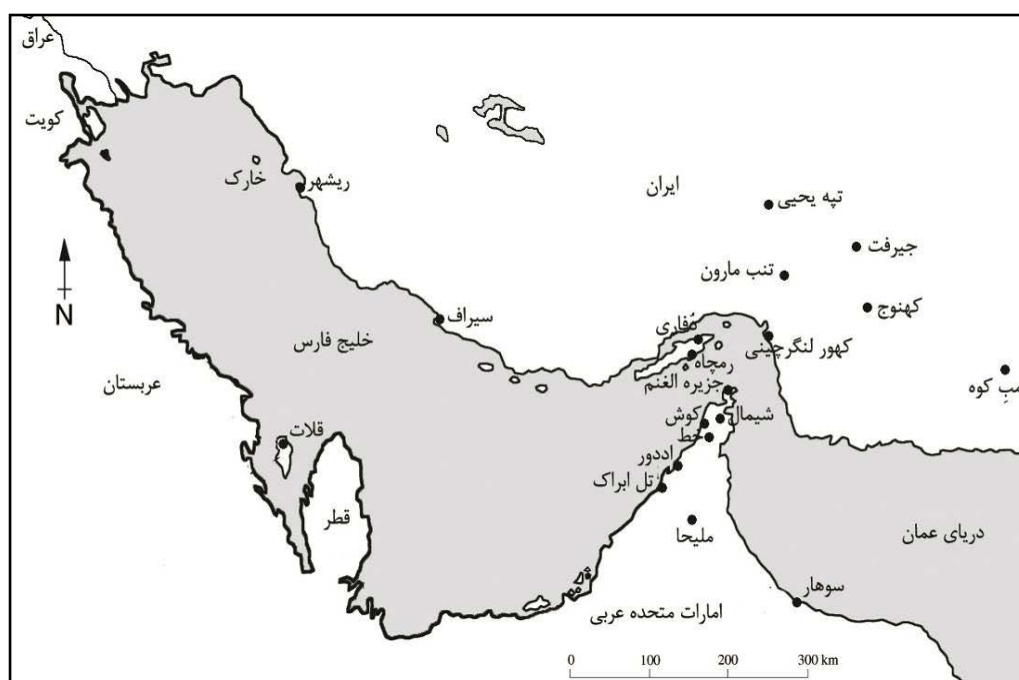
مقدمه

همان‌طور که می‌دانیم سفال در دوره ساسانی همچون دوره اشکانی محلی بوده و هر منطقه از ایران سبک و ویژگی‌های سفالی خاصی دارد. یکی از مناطقی که سفال ساسانی آن بسیار کم شناخته شده، جنوب شرق ایران و سواحل خلیج فارس است. بخش بسیار بزرگی از جنوب شرقی ایران، یعنی منطقه‌ای که امروزه استان‌های کرمان، هرمزگان، سیستان و بلوچستان را دربرمی‌گیرد، از نظر باستان‌شناسی نسبت به سایر بخش‌های ایران ناشناخته‌تر مانده است. متأسفانه به علت عدم کاوش‌های باستان‌شناختی در این بخش از ایران، نمی‌توان دیدی کلی و صحیح از دوره ساسانی این منطقه ارائه کرد.

بررسی‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناختی انجام‌گرفته در این منطقه بسیار اندک است. نخستین کسی که از نظر باستان‌شناسی اطلاعات درستی ارائه داده، اورل اشتاین است که طی چند سفر به سیستان، شمال و جنوب بلوچستان و کناره‌های دریای عمان و خلیج فارس، توانست تعداد زیادی محوطه باستانی را شناسایی و ثبت کند (Stein, 1937).

یکی از مهم‌ترین محوطه‌های کاوش شده در جنوب شرق که استقرار دوره ساسانی نیز در آن وجود دارد، تپه یحیی در جنوب شرقی شهرستان بافت، نزدیک دهکده صوغان است (تصویر ۱). این تپه با ۱۸ متر ارتفاع دارای ۷ دوره استقراری از حدود ۴۹۰۰ ق.م. تا دوره ساسانی است. در نتیجه کاوش در این محوطه باستانی و شناسایی لایه‌های متوالی آن، محوطه‌های دیگر منطقه نیز مشخص و روشن شده‌اند. لایه‌های IA، I و II براساس اطلاعات کارلوفسکی مربوط به دوره اشکانی و ساسانی هستند. از لایه IA سفال نارنجی ظریف منقوش به دست آمده است (Lamberg-Karlovsky, 1970).

از محوطه‌های مهم ساسانی دیگر که در این منطقه کاوش شده، تپه مارون است. این محوطه تپه‌ای است بسیار بلند به ابعاد ۶۰×۷۰ متر به شکل بیضی که در میان باغات روستای خیرآباد، در بخش مرکزی شهرستان رودان در استان هرمزگان قرار گرفته است (خسروزاده، ۱۳۸۴). این تپه در



تصویر ۱. موقعیت محوطه‌های مهم اشاره شده در مقاله روی نقشه (خسروزاده، ۱۳۹۱: ۶۴).

سال ۱۳۸۴ ش. توسط سرلک بررسی مجدد و در زمستان ۱۳۸۶ ش. توسط وی کاوش شد. سرلک براساس سفال‌های به دست آمده از لایه‌های مختلف، پنج دوره فرهنگی در این تپه شناسایی کرده است (سرلک، ۱۳۹۱: ۳۷۴).

در حوزه جنوبی خلیج فارس نیز که کاوش‌های بسیار بیشتری انجام گرفته، محوطه‌های واقع در امارات و عمان نیز در این محدوده فرهنگی جای می‌گیرند. کاوش‌های سوهار در عمان، اددور، کوش، ملیحا در امارات، از جمله مهم‌ترین کاوش‌های انجام شده در این منطقه است (تصویر ۱). مهم‌ترین محوطه سواحل جنوبی خلیج فارس که دارای گاه‌نگاری نسبتاً دقیقی است، کوش است. تپه باستانی کوش در ناحیه شمال رأس الخیمه، تقریباً در ۷ کیلومتری جنوب تنگه هرمز قرار گرفته است (Kennet, 1997: 284). اولین بار دکاردی این محوطه را طی بررسی‌هایش در سال ۱۹۷۷ م. دیده و ثبت کرد (de Cardi, 1985: 179, site 40f). کاوش در این محوطه که از سال ۱۹۹۴ م. شروع شد، نشان داد که این تپه بزرگ دارای توالی استقراری از دوره ساسانی تا قرن ۱۳ م. است (Ken-net, 2004: 284, Kennet, 1997: 284). براساس کاوش‌های انجام گرفته در این محوطه، دوره یک، قدیمی‌ترین دوره استقراری در کوش است که شامل دو مرحله ساختمانی خشتی است و می‌توان آن را به قرن پنجم و ششم م. تاریخ‌گذاری کرد (Kennet, 2005). از این دوره شمار زیادی سفال گونه نامرد به دست آمد.

علاوه بر کاوش، بررسی‌های متعددی نیز در این محدوده فرهنگی انجام شده است. شماری از این بررسی‌ها را باستان‌شناسانی مانند دکاردی، پاتس و... انجام داده‌اند. در این بررسی‌ها نیز شمار زیادی سفال گونه نامرد از محوطه‌های ساسانی به دست آمده است.

روش کار

پژوهش حاضر دارای نظامی کیفی، و هدف آن بنیادی است. همچنین از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. روش یافته‌اندوزی این پژوهش میدانی و کتابخانه‌ای است، ولی اساس یافته‌اندوزی در این پژوهش میدانی است. یافته‌های این پژوهش در بررسی‌های میدانی در سواحل خلیج فارس و جنوب شرق ایران به دست آمده است. این بررسی‌ها به صورت پیمایشی انجام گرفته و تمامی موقعیت‌های جغرافیایی در آن لحاظ شده و مورد بررسی قرار گرفته است. فرایند این مقاله بررسی و مطالعه داده‌ها و یافته‌ها و در ادامه، مطالعه و تطبیق مجموعه با دیگر داده‌ها در حوزه جغرافیای مورد مطالعه در گستره فرهنگی ساسانی است.

تعریف و توصیف

دو گونه سفال نارنجی ظریف منقوش «نامرد» در کاوش‌ها و بررسی‌های مختلف انجام گرفته در جنوب شرق ایران و جنوب شرق شبه جزیره عربستان شناسایی شده است. گونه اول ظریف است و بدنه‌ای به رنگ قرمز زرد و پوشش رقیق قرمز دارد. از ماسه در خمیره سفال استفاده شده و نقوش معمولاً هندسی است که به رنگ سیاه بر سطح خارجی ظرف اجرا شده است. این گونه بیشتر به شکل جام با لبه عمود و کمی برگشته به خارج است. بر سطح بیرونی این ساغرهای اغلب آثار ناشی از فرایند داغدار کردن به صورت خطوط عمودی مشخصی در نیمه پایینی ظرف دیده می‌شود (تصویر ۲).

گونه دوم همانند گونه اول ظریف است، ولی کیفیت آن پایین‌تر از گونه اول است. این گونه به رنگ نارنجی تا نارنجی قهوه‌ای است و از ماسه در خمیره سفال استفاده شده است. سطح خارجی سفال پوشش نارنجی دارد و نقوشی به رنگ سیاه بر سطح سفال اجرا شده است. شماری از این گونه از محوطه رمچاه در قشم به دست آمد، اما تکه‌تکه بودن این سفال سبب می‌شود تا نتوان آن‌ها

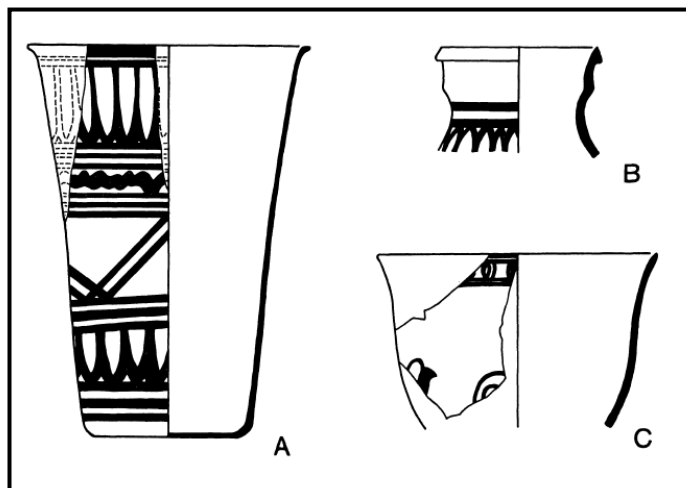


تصویر ۲. منتخبی از سفال‌های منقوش نامُرد به دست‌آمده از تَم مارون (سرلک، ۱۳۹۱).

را با مجموعه‌های تاریخ‌گذاری شده‌ی سایر محوطه‌ها مقایسه کرد. این‌گونه سفال مشابه سفال‌های یک‌رنگ و دورنگ منقوشی است که هرینک آن‌ها را توصیف و به قرن اول تا سوم ق.م. تاریخ‌گذاری کرده است (هرینک، ۱۳۷۶: ۲۴۲).

پراکندگی سفال نامُرد در جنوب شرق ایران و سواحل شمالی خلیج فارس

اولین بار در ایران اورل اشتاین در چند محوطه از کرمان و بلوچستان از جمله دَمب‌کوه (تصویر ۴)، فنوج، هزارمردی، تمب نامُرد و دره شوری این‌گونه سفال را به دست آورد. این محوطه‌ها شامل ۱۱ محوطه استقراری و گورستانی بودند. محوطه‌ها اغلب به شکل تپه‌های بزرگ استقراری بودند که از دوره پیش از تاریخ به این سو دارای نهشته بودند (Stein, 1937: 175). در سال ۱۹۸۳ م. سیدمنصور



تصویر ۳. سفال نامُرد به دست‌آمده از ریشهر (Whitehouse & Williamson, 1973).

سیدسجادی در رأس یک هیئت باستان‌شناسی، دره رودبار در جنوب کرمان را بررسی کرد. او از چهار محوطه به نام‌های قلعه خارگ، دوگاری، تمب نامُرد، و سی تمب این‌گونه سفال را به دست آورد. سجادی این‌گونه سفال را به دوره بعد از پارتی، یعنی ساسانی تاریخ‌گذاری کرد (سیدسجادی، ۱۳۷۰؛ نیز بنگرید به: Sajjadi, 1989). در کاوش‌های انجام‌شده در تپه‌یچی، این‌گونه سفالی از لایه‌های مربوط به دوره I که به دوره اشکانی و ساسانی تاریخ‌گذاری شده، به دست آمد (Lam-berg-Karlovsy, 1970: Fig. 4).

از مهم‌ترین محوطه‌های پس‌کرانه‌ای خلیج فارس که این‌گونه از آن به دست آمده، تم مارون در رودان است. همان‌طور که اشاره شد این‌گونه از دوره سوم کاوش لایه‌نگاری تم مارون به دست آمده است (سرلک، ۱۳۹۱: ۲۷۹). سفال نامُرد به دست آمده از لایه سوم تم مارون خمیره‌ای به رنگ نارنجی یا قرمز دارد که از شاموت ماسه در خمیره آن استفاده شده است. معمولاً پوششی به رنگ قرمز یا نارنجی بر سطح خارجی سفال دیده می‌شود. نقوش اغلب به شکل هندسی و بر سطح خارجی سفال به رنگ سیاه اجرا شده است. سطح خارجی شماری از سفال‌ها صیقل شده است (تصاویر ۲ و ۵).

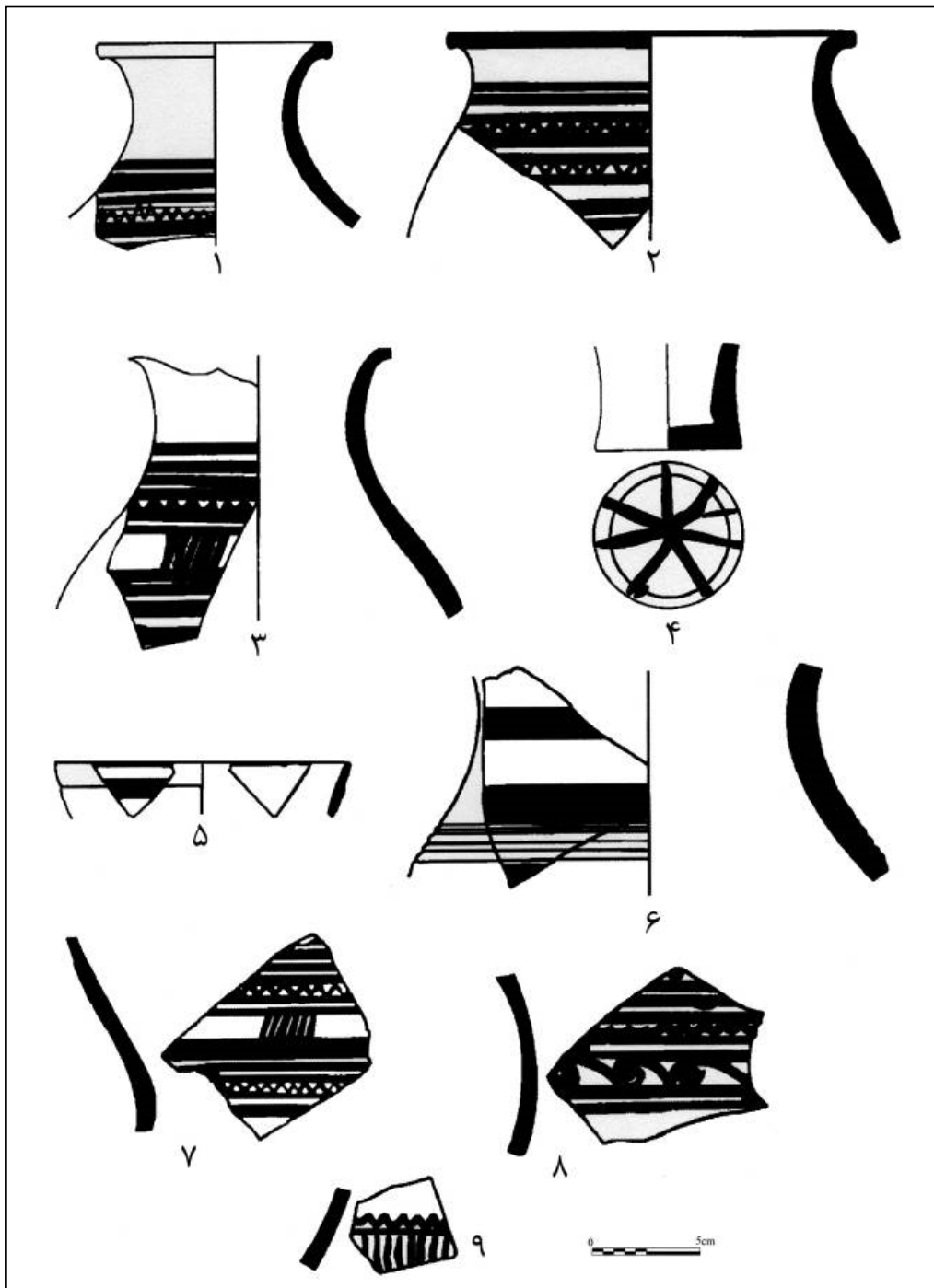
در سواحل بوشهر نیز این‌گونه سفال به دست آمده است (تصویر ۳). این‌گونه در سواحل بوشهر (ریشهر) به رنگ نارنجی با شاموت ماسه است و پوششی غلیظ به رنگ نارنجی تا قرمز بر سطح آن دیده می‌شود. نقوش بر سطح داخل و خارج سفال به رنگ سیاه اجرا شده است. در شماری از تکه سفال‌ها، سطح خارج و در برخی موارد داخل سفال صیقلی شده است (Whitehouse & Wil-iamson, 1973, Fig. 5. A). در منطقه میناب و جنوب کرمان شمار زیادی محوطه در بررسی‌های ویلیامسون گزارش شده که این‌گونه سفال از آن‌ها به دست آمده است. در مجموعه ویلیامسون شمار فراوانی بدنه سفال از نوع نارنجی ظریف منقوش از محوطه‌های مختلف وجود دارد. در کل ۷۰۷ قطعه از این‌گونه از ۶۴ محوطه جمع‌آوری شده است. تمرکز اصلی محوطه‌هایی که این‌گونه سفال از آن‌ها به دست آمده، منطقه هلیل رود، به خصوص هلیل رود پائین (ناحیه رودبار) و دشت میناب است. شمار اندکی از این سفال‌ها نیز مربوط به بوشهر هستند (Priestman, 2009: 29).

در بررسی‌هایی که اخیراً در دم‌کوه، یکی از بزرگ‌ترین گورستان‌های سنگ‌چین جنوب شرق انجام شده نیز سفال گونه‌ی نامُرد به دست آمد. نقوش به‌کاررفته بر سطح سفال‌های گونه نامُرد دم‌کوه شامل نقوش حلزونی شکل، خطوط افقی موازی، خطوط موج و نقوش نردبانی است. نقوش اغلب بر سطح خارجی سفال و به رنگ سیاه اجرا شده است (Basafa, 2008: 190). اشکال این‌گونه بیشتر به شکل کوزه دیده می‌شود.

در بررسی‌های انجام‌گرفته در جزیره قشم نیز از شماری از محوطه‌ها این‌گونه سفال به دست آمد. هر دو گونه این سفال در محوطه‌های ساحلی رمچاه و گامبرون وجود داشت. این‌گونه سفال خمیره‌ای به رنگ نارنجی دارد و از شن نرم و ریز در خمیره سفال به‌عنوان شاموت استفاده شده است. خمیره سفال ظریف و معمولاً نقوش بر سطح آن هندسی و به رنگ سیاه اجرا شده است (خسروزاده، ۱۳۹۱؛ 34: Khosrowzadeh, 2014).

جنوب شرق عربستان و سواحل جنوبی خلیج فارس

این سفال از محوطه‌های متعددی مثل جزیره الغنم، اددور، کوش، ملیحا و تل ابراک در جنوب خلیج فارس، در نهشته‌های مربوط به دوره اشکانی و ساسانی گزارش شده است. از اددور (Salles, 1984: Fig. 11. 15-18; Lecomte, 1993: Fig. 12. 1-4)، بزرگ‌ترین محوطه پیش از اسلام در سواحل جنوبی خلیج فارس و ملیحا بزرگ‌ترین محوطه پیش از اسلام در پس‌کرانه‌های جنوب



تصویر ۴. سفال نامُرد به دست آمده از دَمبِ کوه (Basafa, 2008: Pl. 24).

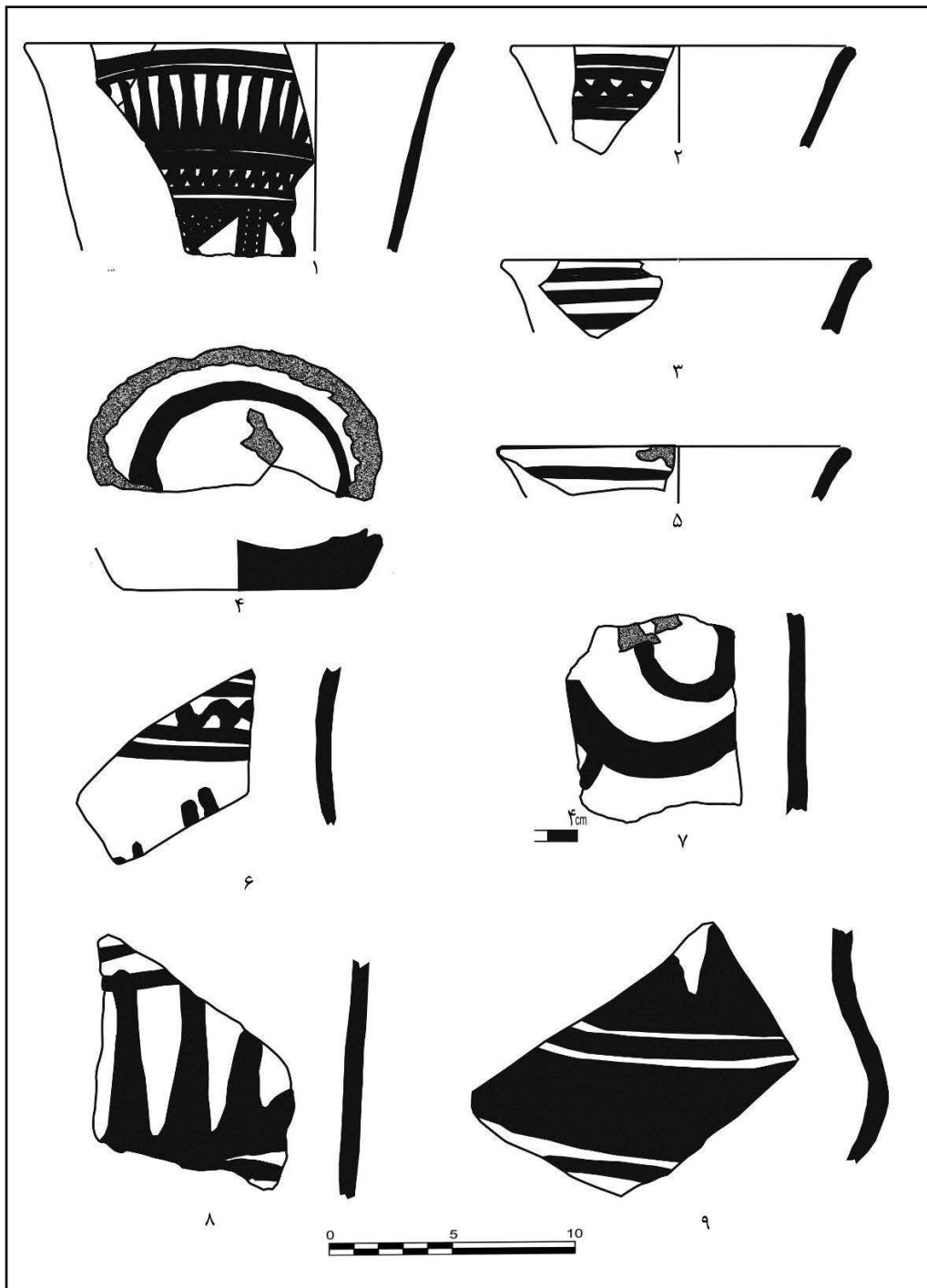
خلیج فارس (Boucharlat & Mouton, 1993: fig. 15. 3-4)، این گونه سفال به دست آمده است. از ددور یک جام شکسته مرمت شده از ناحیه F توسط هیئت فرانسوی به دست آمد (تصویر ۶) (Lecomte, 1993: fig. 12: 2). این جام کاملاً مشابه نمونه جام‌های منقوشی است که پیش از این از تیم نامُرد در قلعه خارگ در رودبار، محوطه گور سنگ چین شماره ۴ در دره سوگون ایران (Lam-Whitehouse & Williamson, 1973:)، ریشهر در سواحل بوشهر (berg-Karlovsy, 1970: fig. 4) و جزیره الغنم در رأس مُسندم عمان به دست آمده بود. همان طور که الیور لی کامت تأکید (Fig. 5. A).

جدول سفال‌های تصویر ۵ (نگارندگان).

شماره	توصیف	منبع مقایسه
۱	نارنجی قرمز، ماده چسباننده ماسه، چرخ‌ساز، ظریف، پوشش غلیظ قرمز قهوه‌ای بر سطح خارج و داخل، نقوش هندسی سیاه‌رنگ بر سطح خارج.	de Cardi et al., 1975: fig. 9: 44 Lecomte, 1993: fig. 12: 2
۲	نارنجی قرمز، ماده چسباننده ماسه، چرخ‌ساز، ظریف، پوشش غلیظ قرمز قهوه‌ای بر سطح خارج و داخل، نقوش هندسی سیاه‌رنگ بر سطح خارج.	de Cardi et al., 1975: fig. 9: 44
۳	نارنجی قرمز، ماده چسباننده ماسه، چرخ‌ساز، ظریف، پوشش غلیظ قرمز قهوه‌ای بر سطح خارج و داخل، نقوش هندسی سیاه‌رنگ بر سطح خارج.	de Cardi et al., 1975: fig. 9: 44 Kennet, 2002: fig. 6
۴	نارنجی قرمز، ماده چسباننده ماسه، چرخ‌ساز، ظریف، پوشش غلیظ قرمز قهوه‌ای بر سطح خارج و داخل، نقوش هندسی سیاه‌رنگ بر سطح خارج.	
۵	نارنجی قرمز، ماده چسباننده ماسه، چرخ‌ساز، ظریف، پوشش غلیظ قرمز قهوه‌ای بر سطح خارج و داخل، نقوش هندسی سیاه‌رنگ بر سطح خارج.	Kennet, 2002: fig. 6
۶	نارنجی قهوه‌ای، سطح داخل قهوه‌ای روشن، ماده چسباننده ماسه، ظریف، چرخ‌ساز، پوشش غلیظ نارنجی قرمز بر سطح خارج و نقوش هندسی سیاه در خارج.	
۷	نارنجی قرمز، ماده چسباننده ماسه، چرخ‌ساز، ظریف، پوشش غلیظ قرمز قهوه‌ای بر سطح خارج و داخل، نقوش هندسی سیاه‌رنگ بر سطح خارج.	
۸	نارنجی قرمز، ماده چسباننده ماسه، چرخ‌ساز، ظریف، پوشش غلیظ قرمز قهوه‌ای بر سطح خارج، نقوش هندسی سیاه‌رنگ بر سطح خارج.	
۹	نارنجی قرمز، ماده چسباننده ماسه، چرخ‌ساز، ظریف، پوشش غلیظ قرمز قهوه‌ای بر سطح خارج و داخل، نقوش هندسی سیاه‌رنگ بر سطح خارج.	

کرده، لایه‌ای که لیوان (جام) از آن به دست آمده، توسط هیئت فرانسوی به دوره یک نام‌گذاری شد. براساس ارتباط این لایه با یافته‌های شیشه‌ای ساسانی که بسیار مشابه یافته‌های شیشه‌ای دوره ساسانی در کوخه، بابل، کیش و ابوشهیر در نزدیک حیره، تل‌ماحوز، نینوا و آشور هستند، به دوره ساسانی تاریخ‌گذاری شد (Lecomte, 1993: 201).

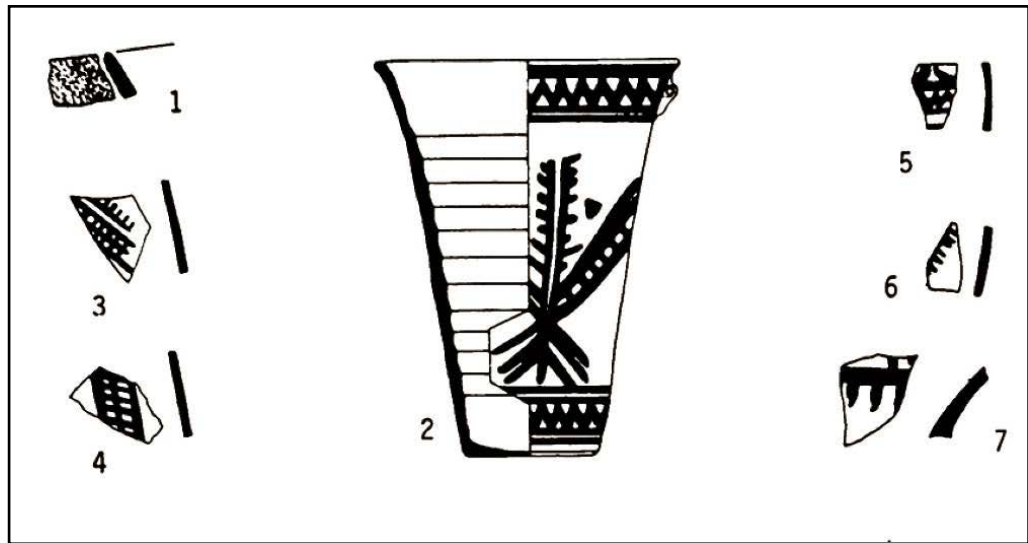
بقیه گونه‌های نامرد یافت شده در اددور مربوط به قرن اول یا اوایل قرن اول م. هستند. این تاریخ‌گذاری براساس شیشه‌های رومی شاخص مربوط به این دوره است که به همراه این سفال در اددور یافت شدند. به استثنای شمار اندکی تکه سفال گونه نامرد که از منازل شخصی در نواحی E-B-C به دست آمد، شمار بسیار زیادی از این گونه توسط هیئت کاوش از یک خانه بزرگ چند اتاقه حاصل شد. لیوان‌های با لبه عمود بلند و کف تخت به طور کامل در اینجا غایب بود و به دست نیامدند. کوزه‌های با لبه برگشته به خارج بسیار متداول است. این کوزه‌ها اغلب با خطوط عمودی آویزان تزئین شده‌اند. در زیر این نوار که زیر لبه را احاطه کرده، می‌توان تزئیناتی به شکل خطوط افقی-عمودی-برگی شکل مشاهده کرد که در بسیاری از نمونه‌های منتشر شده توسط سجادی از



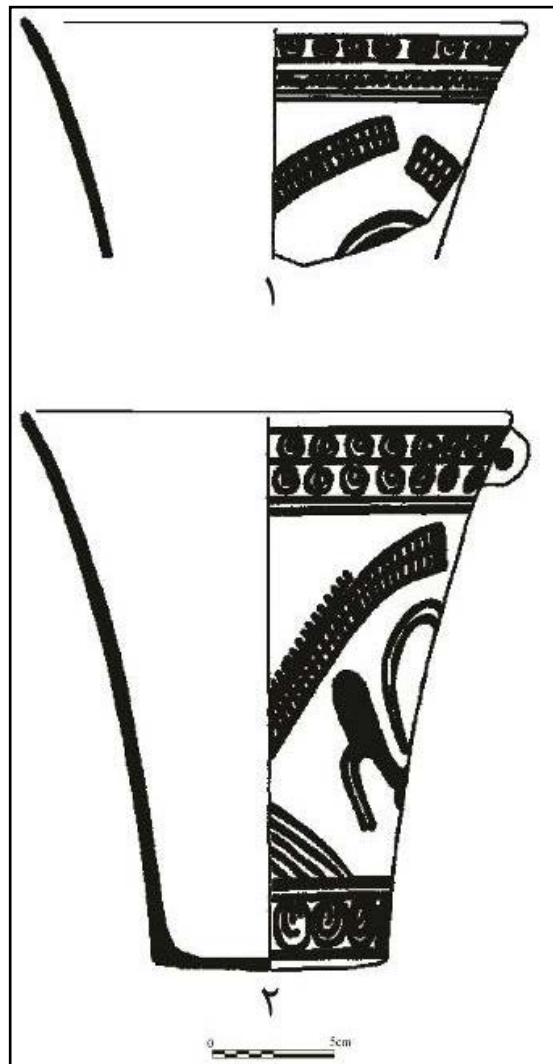
تصویر ۵. منتخبی از سفال‌های منقوش نامرد به دست آمده از تُمپ مارون، میناب (سرلک، ۱۳۹۱).

قلعه خرگ و تَم نامرد وجود دارد. کوزه‌های با لبه آویزان و تزئینات نیم دایره‌ای، لیوان‌های شبیه کوزه با تزئینات اندک و نامنظم نیز دیده می‌شود. بیشتر نقوش اجرا شده در ظروفی مثل کوزه‌ها و فلاسک‌های با گردن باریک نیز دیده می‌شود. تمامی این سفال‌ها با اشکال مختلف از یک بستر باستان‌شناختی به دست آمدند (Potts, 1998: 211).

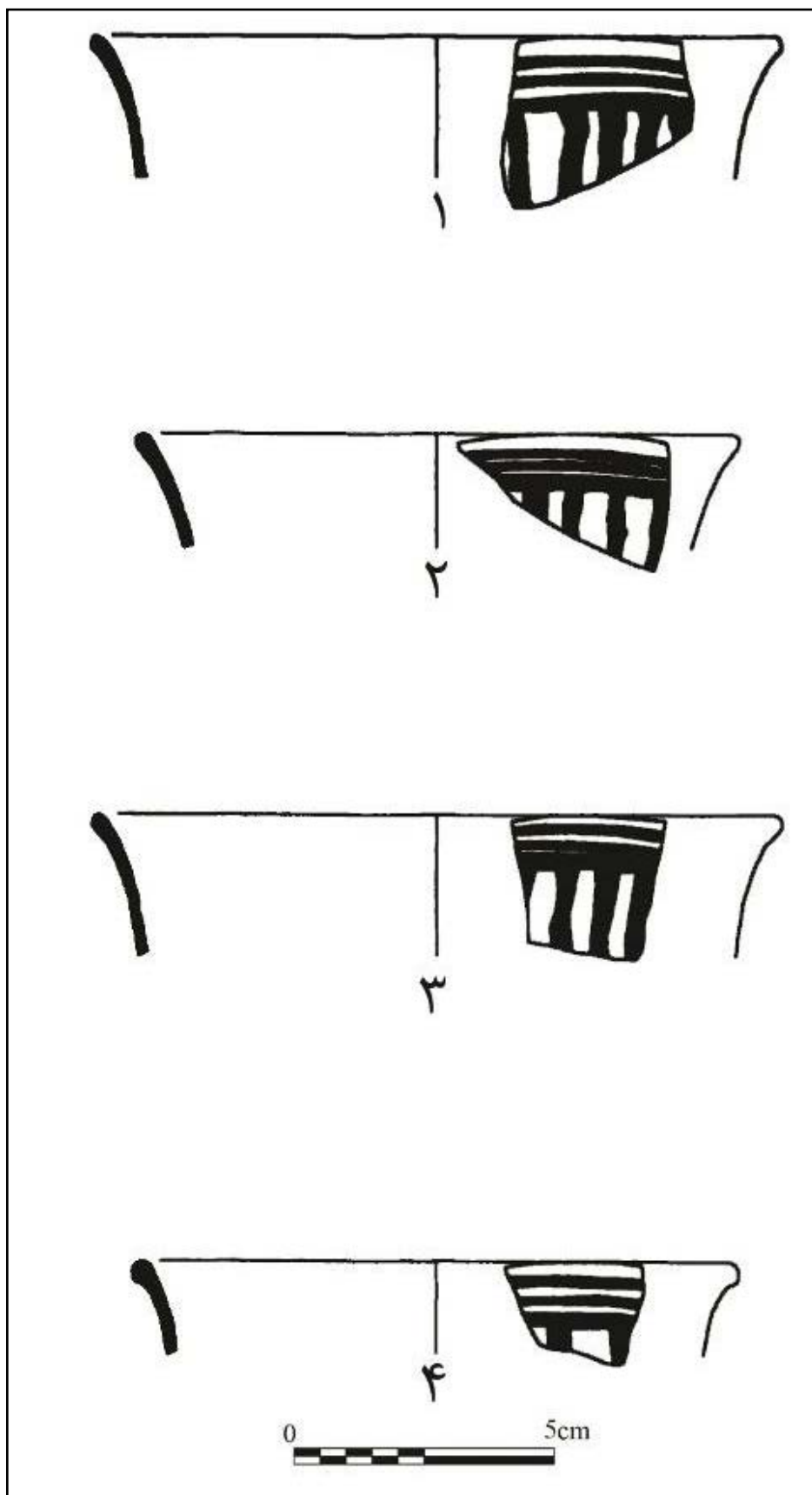
از قلعه کاوش شده در ملیح‌ا نیز چند لیوان با بدنه‌ای ظریف و منقوش گونه نامرد پیدا شد (تصویر ۴-۳۳). خمیره این‌گونه سفال بسیار سخت و به رنگ نارنجی است و پوششی به رنگ قرمز



تصویر ۶. منتخبی از سفال‌های گونه نامُرد به دست آمده از اد دور، امارات (Lecomte 1992: fig. 11).



تصویر ۷. منتخبی از سفال‌های منقوش نامُرد به دست آمده از ملیحا (Benoist et al., 2003: Fig. 18).



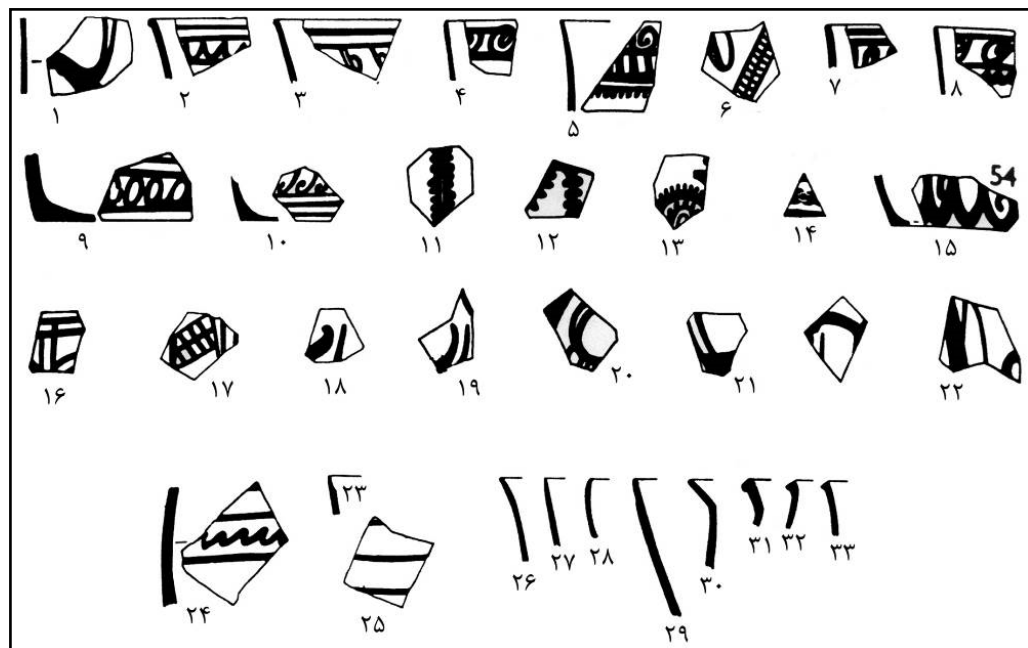
تصویر ۸. منتخبی از سفال‌های منقوش نامرد به دست آمده از کوش (Kennet, 2002: Fig. 6).

دارد که به شکل عمودی صیقل شده و تزئیناتی به رنگ سیاه به شکل مارپیچ‌ها، نقوش گیاهی و حیوانی (آهو و غزال) بر سطح آن‌ها دیده می‌شود. این‌گونه حدود ۱/۵ درصد از کل مجموعه سفالی به دست آمده از قلعه ملیحا را به خود اختصاص داده است (Benoist et al., 2003: 71, Fig. 9: 2-3).

از تل ابراک در امارات نیز شماری سفال نامرد به دست آمده که احتمالاً مربوط به محوطه گورستانی هستند. پاتس این‌گونه را نامرد اولیه می‌داند و به قرن اول و دوم میلادی تاریخ‌گذاری کرده است (Potts, 1998).

در کاوش‌های کوش در امارات، کینت سفال گونه نامرد را به دست آورده و آن را به دوره ساسانی تاریخ‌گذاری کرده است (Kennet, 2002: Fig. 6). این‌گونه در کوش چرخ‌ساز است، در حرارت مناسب پخته شده و بدنه‌ای ظریف با حدود ۴ میلی‌متر ضخامت دارد. مقطع شکستگی این سفال صاف و یکنواخت است و بدنه‌ای به رنگ قرمز زرد (5YR 6/8)، با نقوشی بر سطح خارج. در خمیره آن مواد چسباننده زاویه‌دار کوچک را می‌توان دید. طرح‌های تزئینی نقش شده بر سطح خارج به رنگ سیاه است. اشکال بیشتر به شکل جام با لبه‌های عمود کمی برگشته به خارج است (تصویر ۸). بر سطح خارج این جام‌ها به روشنی می‌توان اثر صیقل را به شکل خطوط عمودی در قسمت‌های پائین‌تر ظرف دید (Kennet, 2004: 62).

در بررسی‌های شمال عمان، در شبه جزیره مسندم (تصویر ۹) نیز نمونه‌هایی مشابه با سفال منقوش نامرد از محوطه‌های اشکانی و ساسانی به دست آمده است (de Cardi et al., 1975: Fig.9: 40-66). سفال نارنجی ظریف منقوش به دست آمده از جزیره الغنم چرخ‌ساز و خمیره آن به رنگ قرمز یا قرمز روشن است و معمولاً پوششی به رنگ خمیره دارد که بر سطح خارجی سفال دیده می‌شود و اغلب اثر صیقل بر سطح آن به شکل خطوط عمودی قابل مشاهده است. این پوشش گاهی بر هر دو سطح سفال دیده می‌شود. بیشتر طرح‌های تزئینی سطح سفال‌ها مشابه به مواد منتشر شده از دوره I تپه یحیی هستند. دو قطعه سفال به رنگ نخودی صورتی و پرداخت با دست مرطوب بر



تصویر ۹. منتخبی از سفال‌های منقوش نامرد به دست آمده از رأس مسندم (De Cardi et al., 1975: Fig. 9).

سطح خارج دیده می‌شود که با دیگر سفال‌ها متفاوت هستند. اولی سطح آن کاملاً صیقلی شده و نقوش به‌رنگ سیاه بر روی پوشش نخودی تا قهوه‌ای روشن اجرا شده و پوششی قرمز یا نقش تزئینی در زیر باندهای نقش شده دیده می‌شود. با توجه به کوچک بودن قطعات سفال مشخص نیست که پوشش قرمز است یا نقش، ولی به نظر می‌رسد که نواری با نقش قرمز است. قطعه دوم مشابه اولی، اما کمی ظریف‌تر است و تنها با نوارهای سیاه‌رنگ روی پوشش قهوه‌ای روشن تزئین شده است. ۱۲ تکه سفال با خمیره‌ای مشابه به سفال نارنجی منقوش نیز از سطح محوطه‌ها جمع‌آوری شد که بر سطح آن‌ها هیچ نقشی وجود نداشت. سطح بیشتر این سفال‌ها نیز صیقلی شده بود. اشکال این گونه شامل فنجان‌ها، کاسه‌ها، کاسه‌های محدب، یک کوزه یا فلاسک با گردن باریک و کوزه‌ها با لبه گرد شده است (De Cardi et al., 1975: 58).

از قانا در یمن از نهشته‌های مربوط به قرن ۲ تا ۴ م. (Sedov, 1996: 21-23, fig.6 2-7)، و قلات بحرین (Hojland & Anderson, 1997: 213-215) نیز این گونه گزارش شده است. سفال نامرد به دست آمده از محوطه‌های جنوب خلیج فارس اغلب به شکل کوزه‌هایی با لبه آویزان و لیوان‌هایی بلند شبیه کوزه است که معمولاً تزئیناتی به شکل خطوط و نوارهای افقی و عمودی زیر لبه ظرف دیده می‌شود.

تاریخ‌گذاری

پاتس سفال گونه‌ی نامرد را براساس شکل‌شناسی به دو گونه متأخر و قدیمی تقسیم‌بندی کرده است. گونه قدیمی را مربوط به دوره پارتنی (قرن اول و دوم م.) و گونه جدیدتر را به اوایل ساسانی (قرن سوم م.) تاریخ‌گذاری کرده است (Potts, 1998: 211). تاریخ‌گذاری گونه متأخر براساس وجودش در نهشته‌های دوره I در ناحیه F در ادودور است (Lecomte, 1993: 200).

۳۴ قطعه سفال از این گونه در مراحل لایه‌نگاری شده در کوش وجود داشت (تصویر ۴-۳۰) که می‌توانند در سفال گونه متأخر پاتس جای بگیرند؛ ۱۵ قطعه از این سفال‌ها از قدیمی‌ترین مرحله لایه‌نگاری شده در کوش (W-01) که قابل تاریخ‌گذاری به قرن ۴ و ۵ م. هستند به دست آمد که بر این اساس کینت معتقد است ساخت این گونه سفال تا بعد از قرن سوم م. نیز رایج بوده است (Kennet, 2004: 62).

پرست‌من نیز براساس مطالعه سفال‌های گونه‌ی نامرد مجموعه ویلیامسون، دو گروه سفالی تشخیص داده است. گروه اول خمیره‌ای سخت و فشرده به‌رنگ نارنجی تا قرمز دارد. لبه ظروف این گونه اغلب به شکل خمیده به خارج است و دیواره ظروف ضخامت یکسانی دارند. تزئینات اجرا شده بر سطح سفال شامل مثلث‌های بلند و کشیده است که در زیر لبه و یا بالای کف ظرف اجرا شده است. گروه دوم کمی ضخیم‌تر از گونه اول است و سطح سفال معمولاً دارای پوشش است. رنگ خمیره این گونه بین نخودی تا نارنجی متغیر است. اشکال معمولاً به شکل لیوان‌هایی با لبه برگشته به خارج است. بر سطح سفال معمولاً اثر صیقل به خصوص در بخش داخلی ظرف دیده می‌شود، به همین دلیل به نظر می‌رسد خمیره آن نرم‌تر و ظریف‌تر است. نقش‌های تزئینی گونه دوم متفاوت است. رایج‌ترین نقوش شامل ماریچ‌ها یا نقوش طوماری است که تا حدودی مشابه گونه لوندو است.

بیشتر تکه سفال‌های به دست آمده از محوطه‌های میناب و شمار اندکی از محوطه‌های منطقه هلیل رود از گونه اول هستند. از کوش نیز شماری تکه سفال مشابه این گونه به دست آمده است. گروه دوم از شمار زیادی از محوطه‌های منطقه هلیل رود و تنها چند محوطه از دشت میناب به دست آمده است. همچنین سفال‌هایی مشابه این گروه از تپه یحیی، قلات بحرین و جزیره الغنم به دست آمده است. براساس ویژگی‌های فنی این دو گروه سفالی، می‌توان گفت گروه دوم شباهت‌های

بیشتری با گونه لوندو که توسط دکاردی معرفی شده دارد، هم از نظر کیفیت و هم از نظر تزئینات به کاررفته بر سطح سفال. بنابراین به نظر می‌رسد احتمالاً این سفال‌ها در دو منطقه تولید می‌شده‌اند. از طرف دیگر می‌توان این دو گروه را مربوط به دو دوره تاریخی دانست: گونه دوم مربوط به دوره قدیم‌تر است که احتمالاً تا قرن سوم م. ساخت آن رواج داشته و گونه اول که از قرن چهارم م. به بعد رایج می‌شود؛ چنان‌که نمونه‌هایی کاملاً مشابه گونه اول از لایه‌های مربوط به قرن چهارم و پنجم م. در کوش به دست آمده است (Priestman, 2009: 29).

از سوی دیگر طی کاوش‌هایی در کولیکیان دَمب (Kullikian Damb) در نزدیکی نیدوواری (Nid-owari) در جلاوان، سفال گونه نامُرد اولیه (طبق طبقه‌بندی پاتس و گروه دوم توصیف شده توسط پرست من) به همراه سفال لوندوی متأخر (براساس تعریف دکاردی) از یک بستر باستان‌شناختی به دست آمد (بنگرید به: Casal, 1968).

به نظر می‌رسد سفال گونه نامُرد به دست آمده از تِم‌مارون متعلق به گروه اول توصیف شده توسط پرست من باشد که نمونه‌های کاملاً مشابه آن‌ها از کوش نیز به دست آمده و همان‌طور که گفته شد، توسط کنت به قرن چهارم و پنجم م. تاریخ‌گذاری شده‌اند. سفال‌های به دست آمده از کاوش‌های اخیر در این محوطه مربوط به دوره ساسانی است و هیچ سفال قدیمی‌تری در بین نمونه‌ها دیده نمی‌شود.

سفال نامُرد به دست آمده از ریشهر و محوطه‌های قشم نیز از گونه اول تعریف شده توسط پرست من و مربوط به دوره ساسانی و سفال نامُرد دَمب‌کوه نیز مربوط به گروه دوم هستند.

نتیجه‌گیری

سفال نامُرد یکی از گونه‌های سفالی شاخص به دست آمده از سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس است. این گونه بیشتر از محوطه‌های بخش شرقی خلیج فارس به خصوص از محوطه‌های اِد‌دور، کوش، تل ابراک، ملیحا، سوهار و جزیره الغنم به دست آمده است. علاوه بر آن از بخش‌های جنوبی عربستان، محوطه قانا در یمن نیز شماری تکه سفال از این گونه به دست آمده است. با وجود اینکه پراکندگی گسترده این گونه با توجه به یکسانی ویژگی‌های فنی از قبیل خمیره، شاموت، پوشش، نوع و رنگ نقش و شکل ظروف احتمالاً یک مرکز ساخت داشته‌اند، با توجه به شمار فراوانش در منطقه میناب، ویلیامسون این منطقه را برای تولید این گونه پیشنهاد داده است (Williamson, 1972). اما همان‌گونه که اشاره شد پاتس (Potts, 1998: 211) و پرست من (Priestman, 2009: 29) براساس ویژگی‌های فنی این گونه سفال، از جمله رنگ خمیره، کیفیت پخت و ساخت، نوع پوشش و نوع نقش این گونه سفال را به دو گروه تقسیم‌بندی کرده‌اند. تقسیم‌بندی ارائه شده توسط این دو باستان‌شناس را براساس سفال‌های گونه نامُرد به دست آمده از قشم و محوطه‌های میناب می‌توان پذیرفت. براساس گونه‌های سفالی به دست آمده از این دو منطقه می‌توان گفت که این سفال چند مرکز تولید داشته است نه یک مرکز. در بررسی‌هایی که سجادی (سجادی، ۱۳۷۰: ۵۰) در منطقه جیرفت انجام داد، از بیشتر محوطه‌های اشکانی و ساسانی می‌توان این گونه سفال را به دست آورد. بنابراین جیرفت نیز می‌تواند یکی از مراکز تولید این گونه سفال باشد.

با توجه به پراکندگی گسترده سفال نامُرد در جنوب شرق ایران و سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس احتمالاً این گونه سفال در خلیج فارس به عنوان یک کالا در یک تجارت محدود و محلی بین محوطه‌های شمال و جنوب خلیج فارس مبادله می‌شده است. این مسأله شاید به خاطر جنس و مرغوبیت این گونه سفال و کالاهای و موادی بوده که به وسیله آن‌ها حمل می‌شده است. سفال نامُرد بیشتر از محوطه‌های بخش شرقی خلیج فارس به خصوص از محوطه‌های اِد‌دور، کوش، تل ابراک، ملیحا، سوهار و جزیره الغنم به دست آمده است. این گونه در بخش‌های جنوبی

و جنوب شرقی ایران بسیار متداول تر بوده و از محوطه‌های متعدد (۴۹۰ محوطه) به دست آمده است. سجادی در شماری از محوطه‌های باستانی رودبار جیرفت، جوش کوره سفال گونه‌ی نامرد را به دست آورد که نشان می‌دهد یکی از مراکز تولید سفال مزبور احتمالاً این منطقه بوده و به دیگر نقاط به خصوص سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس صادر می‌شده است (سجادی، ۱۳۷۰: ۵۰). همان‌طور که پرست من (Priestman, 2009: 32) اشاره کرده، محوطه‌هایی که سفال گونه‌ی نارنجی ظریف از آن‌ها به دست آمده تا حدودی با هم تفاوت دارند. اول محوطه‌هایی که در دشت میناب و منطقه هلیل رود قرار گرفته‌اند. این محوطه‌ها در مناطقی حاصل خیز قرار گرفته که احتمالاً معیشت بیشتر مردمان آن از طریق کشت محصولات مختلف بوده است. اما محوطه‌هایی مثل ریشهر و کوش و اددور که در ساحل دریا قرار گرفته‌اند کاملاً متفاوت هستند. ریشهر یک شهر بزرگ ساسانی و کوش و اددور نیز دو محوطه بسیار بزرگ ساسانی هستند که در کنار دریا شکل گرفته‌اند و به راحتی می‌توانستند از تجارت گسترده‌ای که در خلیج فارس و اقیانوس هند انجام می‌شد، بهره‌برداری کنند. محوطه‌هایی که در بلوچستان این‌گونه از آن‌ها پیدا شده نیز عمدتاً به شکل گورستان‌هایی بزرگ مثل دمب‌کوه یا محوطه‌های استقراری کوچک هستند. بر این اساس به نظر می‌رسد این‌گونه سفال در یک یا دو منطقه کوچک (احتمالاً دشت میناب و منطقه هلیل رود) تولید شده و علاوه بر آنکه به طور گسترده توسط مردم محلی مورد استفاده قرار می‌گرفته، با توجه به ظرافت و کیفیتش به عنوان یک کالای ارزشمند به دیگر نقاط صادر می‌شد.

نمود چینی سفالی در کویت، بحرین و عربستان نشان‌دهنده روابط تنگاتنگ بخش‌های شرقی خلیج فارس (امارات و عمان) با سواحل جنوبی و جنوب شرقی ایران است. همچنین در کاوش‌های انجام‌گرفته در محوطه قانا واقع در یمن این‌گونه سفال یافت شده که نشان از گسترش تجارت این‌گونه تا سواحل شرقی اقیانوس هند دارد.

کتاب‌نامه

- خسروزاده، علیرضا (۱۳۸۴). «گزارش بررسی باستان‌شناسی سواحل تنگه هرمز و دریای عمان در شهرستان میناب»، تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- خسروزاده، علیرضا (۱۳۹۱). «فصل دوم بررسی باستان‌شناختی جزیره قشم»، تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- خسروزاده، علیرضا، (۱۳۹۱)، «حضور پارتيان در مناطق جنوبی خلیج فارس (شرق و جنوب- شرق شبه جزیره عربستان) بر اساس مدارک باستان‌شناختی به دست آمده از محوطه‌های پارتي سواحل جنوبی خلیج فارس»، *مطالعات باستان‌شناسی*، شماره ۲، دوره ۴ (شماره پیاپی ۶): ۸۱-۶۳.
- سرلک، سیامک (۱۳۹۱). «لایه‌نگاری تم‌مارون و سلطان‌میران؛ رودان، استان هرمزگان، پاییز و زمستان ۱۳۸۶». *پژوهشنامه خلیج فارس*، دفتر چهارم، به کوشش عبدالرسول خیراندیش و مجتبی تبریزینیا، تهران: خانه کتاب.
- سیدسجادی، سیدمنصور (۱۳۷۰). «معرفی دو گونه سفال جدید از منطقه‌ی کرمان». *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*. سال پنجم، شماره دوم. صص: ۵۱-۳۸.
- هرینک، ارنی (۱۳۷۶). *سفال ایران در دوره اشکانی*. ترجمه حمید چوبک، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

- Basafa, H., (2008). "A new perspective on Dambakoh site in southeast Iran". *Iranica Antiqua* XLIII. pp: 185-206.

- Benoist, A., Mouton, M. & Schiettecatte, J. (2003). "The Artifacts from the fort at

Mleiha: Distribution, origins, trade and dating”, Proceeding of the seminar for Arabian Studies 33. pp: 59-76.

- Boucharlat, R. & Mouton, M. (1993). “Mleiha (3e s. avant J.-C. – 1er/2e s. après J.-C.)”, In U. Finkbeiner (ed.), *Materialien zur Archaologie der Seleukidem-und Partherzeit im sudlichen Babylonien und im Golfgebiet*, Tubingen: E. Wasmuth. pp: 219-250.

- Casal, J.-M., (1968). “Nindo Damb”. *Pakistan Archaeology* 5. pp: 51-55.

- De Cardi, B. (1985). “Further archaeological survey in Ra's al-Khaimah, U.A.E., 1977”, *Oriens Antiquus*, 24. pp: 163-240.

- De Cardi, B., Vita-Finzi, C., & Coles, A. (1975). “Archaeological survey in Northern Oman, 1972”, *East and west* 25. pp: 9-27.

- Herinc, E. (1997). *Pottery of Iran in the Parthian Period, Translate by Hamideh Chobak*, Tehran: press of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization of Iran.

- Hojlund, F. & Andersen, H. (1997). *Qala'at al-Bahrain vol. 2. The the Central Monumental Buildings*, Aarhus.

- Kennet, D. (1997). “Kush: a Sasanian and Islamic-period Archaeological tell in Ras al-Khaimah (U.A.E)”, *Arabian Archaeology and epigraphy* 8. pp: 284-302.

- Kennet, D. (2002). “Sasanian pottery in Southern Iran and Eastern Arabia”, *IRAN* XL. pp: 153-162.

- Kennet, D. (2004). *Sasanian and Islamic Pottery from Ras al-khaimah: Classification, Chronology and analysis of trade in the western indian Ocean*. Oxford; society for Arabian studies monographs n.1, BAR International series.

- Kennet, D. (2005). “On the eve of Islam: Archaeological evidence from Eastern Arabia”. *Antiquity* 79. pp: 107-118.

- Khosrowzadeh, A. (2005). “The Report of Archaeological Survey Beaches Strait of Hormuz and Gulf of Oman in Minab County”, Archives of Iranian Center for Archaeological Research (Unpublished).

- Khosrowzadeh, A. (2012). “Chapter Two Archaeological Survey in Qeshm Island”, Archives of Iranian Center for Archaeological Research (Unpublished).

- Khosrowzadeh, A. (2014). “The second season of Archaeological Survey of the Qeshm Island, Iran”, *Iranian Journal of Archaeological Studies*, vol. 4. pp: 21-39.

- Khosrowzadeh, A. (2014). “The presence of Parthians in the Sothern regions of the Persian Gulf (East and south east of the Arabian Peninsula) based on archaeological evidence obtained from the parts of the Sothern coast of the Persian Gulf”, *Journal of Archaeological Studies*, vol. 4. No 2, (6) pp: 63-81.

- Lamberg-Karlovsky, C.C. (1970). *Excavations at Tepe Yahya, Iran, 1967-1969*, Cambridge: American School of prehistoric Research Bulletin 27.

- Lecomte, O. (1993). “Ed-Dur, les occupations des 3e et 4e s. ap. J.-C.: Contexte des trouvailles et matériel diagnostique”, In U. Finkbeiner (ed.), *Materialien zur Archäologie der Seleukiden- und Partherzeit im südlichen Babylonien und im Golfgebiet*. Tübingen: E. Wasmuth. pp: 11-22.

gen. pp: 195-217.

- Potts, D. T. (1998). "Namord ware in southeastern Arabia", In: C. S Phillips, D. T Potts & J. Searight (eds.), *Arabia and her neighbors*. Essays on prehistorical developments presented in honour of Beatrice de Cardi. Abiel II. Brepols. pp: 207-220.

- Priestman, S. M. N. (2009). "Fine orange painted ware", *Parthian, Sasanian and Early Islamic Pottery: dating, definition and distribution*, Organized by Seth Priestman & St John Simpson, Department of the Ancient Near East the British Museum. pp: 29-31.

- Sajjadi, M. (1989). "A class of Sasanian ceramics from southeastern Iran", *Rivista di Archeologia* 13. pp: 31-40.

- Salles, J. F. (1984). "Ceramiques de surface a Ed-Dour, Emirates Arabes Unis", In: *Arabie orientale, Mesopotamie et Iran meridional*, de lage du au debut de la period Islamique, Boucharlat, R. and S. Jean-Francois., (eds), Paris. pp: 241-270.

- Sarlak, S. (2012). *Stratigraphy Tame Maroun and Soltan Miran; Rodan, Hormozgan Province*, Persian Gulf Research, Tehran: Book House.

- Sedov, A. V. (1996). "Qana' (Yemen) and the Indian Ocean the archaeological evidence", In: H. P Ray & J. F Salles (eds), *Tradition and Archaeology, early maritime contacts in the Indian Ocean*. Proceeding of the international seminar Techno-Archaeological Perspective of Seafaring in the Indian Ocean 4th cent. B.C. – 15th cent. A.D. New Delhi, Feb. 28 – March 4, New Delhi. pp: 11-35.

- Stein, M. A. (1937). *Archaeological Reconnaissances in North Western India and south Eastern Iran*, London.

- Seyed Sajadi, S. M. (1991). "Introduction Two Type of New Pottery from The Ker-man", *Journal of Archeology and History*, Vol. 5, No. 2. P.P.

- Whitehouse, D. & Williamson, A. (1973). "Sasanian Maritime Trade", *IRAN* 11. pp: 29-49.

- Williamson, A. (1972). "Persian Gulf commerce in the Sasanian period and the first two Centuries of Islam", *Bastan Shenasi va Honar-e Iran* 9-10. pp: 97-112.